

زیبائی و رسائی تشبیه در شعر فارسی (نقد و بررسی نمونه ای)

محمد سیلاوی

دانشیار دکترا/دانشگاه بغداد/ دانشگده زبانها خارجی/ گروه زبان و ادبیات فارسی

نام نویسنده مسئول:

محمد سیلاوی

چکیده

تشبیه، در علم بیان مانند کردن چیزی است به چیزی دیگر. تشبیه مانندگی مبتنی بر کذب است یا با اغراق همراه است؛ یعنی باید دو چیز را که در واقع به یکدیگر شبیه نیستند یا لااقل شباهتی آشکارا ندارند را، به هم مانده کنیم. در تشبیه، نویسنده یا شاعر شباهتی را ادعا و برقرار یا آشکار می‌کند؛ بنابراین، جمله‌ای که تمام ارکان تشبیه را داشته باشد اما مبتنی بر صدق باشد - چون مخیل نیست، تشبیه نیز به حساب نمی‌آید. مثلاً در جمله «سگ مانند شغال است» چون جمله مخیل نیست و در عالم واقع همسگ و شغال از یک گونه‌اند، تشبیهی روی نداده است. اما جمله تشبیهی جمله‌ای است که به ظاهر درست نمی‌نماید، و باعث اعجاب می‌شود و کسی در دید منطقی به آن باور ندارد. زیبایی و رسائی تشبیه در شعر فارسی تاثیر فراوان در تکامل و ترقی اشعار فارسی در دوران گوناگون گسترش زبان و ادبیات بر شعرای فارسی بر کسی پوشیده نیست. آرایه‌های و مهارت بلاغی شاعران در سرودن اشعار و کثرت آن سبب گردید تا ادبیات به اوج رسیده است. تکامل و تمام عیار شعر فارسی در دوران عصور مختلف است. یکی از مهارت‌های آرایه‌های ادبی کاربرد صور خیال، از جمله تشبیه و استعاره در اشعار شاعران هستند، تصویرهای گوناگون، تشبیه مهم‌ترین نوع تصاویری است که شاعران زبان فارسی بدان علاقه نشان دادند. با بررسی‌هایی که از سرودهایش به عمل آمده، اکثر تشبیهات زیبایی از نوع حسی به حسی و عقلی به حسی اند که در انواع مختلف آن، از جمله: تشبیه مضمیر، تفضیل و... بکار رفته است. این مقاله قصد دارد تشبیه زیبایی و رسائی در شعر فارسی را در اشعار شاعران بررسی کند و به اهمیت و انواع آن در سروده‌های شاعران بپردازد.

واژگان کلیدی: تشبیه - استعاره - صور خیال - عناصر تشبیه - شعر.

مقدمه

نقد شعر فارسی باتمام کوششهایی که در باره آن صورت گرفته است هنوز مراحل نخستین رشد خود را می پیماید. اگر چه کتابهای معانی و بیان و عروض و قافیه که از دیرباز تاکنون نوشته شده است. موضوعشان چیزی جز نقد شعر نیست و چند تذکره ها و کتابهای تاریخ و بعضی آثار دیگر نیز بسته و گریخته به تحلیل شعر شاعران پرداخته اند. با این همه کارهای انجام نشده پیش از کارهای انجام شده است، و کارهای انجام شده نیز همیشه درست و دقیق و علمی نیست و در بسیاری از موارد بانقص و نارسائی توأم بود.

تحقیق در باره معیارها و موضوعات نقد شعر از قبیل تشبیه و مجاز و استعاره و انسجام و غیره، باید شاهکارهای درجه اول و اشعار نوایغ شعر را اساس کار قرارداد، نه هر شعری باشد، و در تدوین قواعد مربوط به نقد باید به روح شعر فارسی توجه کرد نه به چیزی دیگر. بی شک در این مورد از پژوهشهایی که در عربی و زبانهای فرهنگی صورت گرفته است نیز باید بهره جست، قواعد شعر دیگران را میتوان بردو دسته تقسیم کرد، یکی آنها که منطبق باشعر فارسی است و باید مورد استفاده قرار گیرد و دیگر قواعدی که باشعر فارسی سازگار نیست و سنجش شعر فارسی با آنها اشتباه عظیم و مایه گمراهی است.

نویسندگان کتابهای نقد شعر فارسی همیشه این اصل را مراعات نکرده اند، یکی آنها را باقانون اساسی ادبیات جهان و حکمی ازلی و ابدی پنداشته اند که نه قابل افزایش است و نه سزاوار نقصان و از سوی دیگر در کار خود به شعر بزرگان چون فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی و حافظ کمتر استناد کرده اند.

به این علت تشبیه و استعاره پیش از صنایع دیگر ادبی مورد بحث قرار گرفت که درزیبائی کلام بسیار مؤثر و در حقیقت از مهمترین عوامل آرایش سخن به شمار میروند. به همین دلیل است که هیچ قطعه شعر زیبایی را نمیتواند یافت که در آن تشبیه و استعاره نباشد.

۱- آرکان زیبایی تشبیه:

آرکان زیبایی تشبیه و رابطه آن با ساختمان تشبیه مورد مطالعه قرار میگیرد و این عوامل که در عین حال جداکردنشان از هم کار اسانی نیست عبارتند از:

أ- فصاحت و بلاغت کلام: نخستین شرط زیبایی تشبیه و استعاره است که در کلام زیبا و فصیح قرار گیرد و اگر نه سخن سست و پیچیده و ناساز تنها بوسیله تشبیه و استعاره، هر چند هم بدیع و تازه باشد، زیبا نمی شود، مانند نثر تاریخ و صاف و دره نادره که پراست از تشبیهات و استعارات تازه می بایست بهترین و زیباترین آثار ادبی فارسی باشد در حالیکه چنین نیست. تکلفهای نامطلوب و تعقیدهای لفظی و معنوی است، و بسیاری از تشبیهات در گرشاسبنامه و خاقانی و اشعار سبک هندی وجود دارد.

آن عده دار بکر طلب کن که روح را

طاووس بین که زاغ خوردو آنکه از گلو

سخن فصیح اگر خالی از تشبیه و استعاره هم باشد شورانگیز و زیبا خواهد بود.

عبادت بجز خدمت خلق نیست

نبیی که باگرز سام آمده است

به تسبیح و سجاده و دلوق نیست^۲

جوان است و جوبای نام آمده است^۳

این تشبیه و استعاره به خود و به تنهای برای زیبا کردن سخن کافی نیست، و باید باشرایطی دیگر که همان فصاحت و بلاغت کلام باشد توأم گردد. زیبایی شعر فردوسی و سعدی نیز همین است و اگر نه تشبیه و استعاره در گرشاسبنامه اسدی طوسی بیش از شاهنامه است.

پستان یار درخم گیسوی تابدار

چون گوی عاج درخم چونگان آنوس^۴

میلغزد آن نگاه شتابان به چهره ام

چون بوسه نسیم که بر آب میدود^۵

بهره بریرف را گلبرگ پنداشت

به رامین در رسید او را فروداشت^۶

ب- ژرفی اندیشه: شعر و ادبیات زیبا و درخشان آن است که بیان کننده اندیشه های عمیق و احساسات عالی باشد، و اگر نه شعری که اندیشه و معنای ژرف و تازه ای در آن نباشد، هر چند فصیح و بلیغ و هر قدر دارای تشبیهات و استعارات زیبا باشد نمیتواند باشعری که معانی عمیق و عواطف رقیق باشد. این گونه اشعار بدون تشبیه و استعاره هم شور انگیز و زیبا هستند مانند:

^۱ دیوان خاقانی، تصحیح ضیاء الدین سجادی، زواره، ۱۳۳۸، تهران، ص ۱۳۴

^۲ دیوان سعدی، به کوشش مظاهر مصفی، معرفت، ۱۳۴۰، تهران، ص ۱۱۱

^۳ شاهنامه فردوسی، ج ۱، چاپ بروخیم، ۱۳۱۴، تهران، ص ۲۲۵

^۴ همان، سعدی، ص ۴۸۲

^۵ مرمر، سمین بهیانی، ۱۳۱۷، تهران، ص ۲۲

^۶ ویس و رامین، فخر الدین اسعد گرگانی، تصحیح مجتبی مینوی، بروخیم، ۱۳۱۴، تهران، ص ۴۵۱

وجود ما معمائی است حافظ
 واعظان کاین جلوه بر محراب ومنبر میکنند
 که تحقیقش فسون است و افسانه^۷
 چون به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند^۸
 ولی اینگونه سخنان اگر با آرایشها ادبی مثل تشبیه واستعاره همراه باشد زیباییشان دوچندان میشود. مانند این رباعیات خیام:
 هر چند که رنگ و روی زیباست مرا
 چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا
 معلوم نشد که در طریخانه خاک
 نقاش ازل بهر چه آراست مرا
 جامی است که عقل آفرین میزندش
 صد بوسه مهر بر جبین میزندش
 این کوزه گرد هر چنین جام لطیف
 میسازد و باز بر زمین میزندش^۹
 شعری که معنی آن اندک وتشبیه واستعاره اش بسیار باشد جنبه لفظی وسخن بازی آن بیشتر است وبه تنی نیم جان می ماند.

ت- مشابهت کامل: در کتابهای معانی و بیان قدیم آمده است که بهترین تشبیه آن است بر اثر کمال مشابهت بتوان جای مشبه ومشبه به را عوض کرد مانند تشبیه زلف به شب و روی به گل. مثال برای تشبیه شب به زلف است:
 شب سیاه بدان زلفکان تو ماند
 سپید روز به پاکی رخان تو ماند^{۱۰}
 یا بر عکس مانند:
 گرد مه خط سیه کار نداری داری
 روز روشن به شب تار نداری داری^{۱۱}
 یا تشبیه شاعر به شمع وبر عکس:
 تو مرا امانی ومن هم مر ترا مانم همی
 دشمن خویشیم هر دو دوستدار انجمن^{۱۲}
 تشابه در قدیم به نوعی تشبیه گفته می شده است که بین مشبه ومشبه به مشابهت کامل باشد به نحوی که این دو میتوانند درهم بیامیزند وموجب اشتباه شوند.

هر چه وجه مشابهت بیشتر ومتعدد تر باشد تشبیه کامل تر است، مثلاً سبب زیبایی تشبیه روی یار گل آن است که بین آنها چند وجه اشتراک است یکی زیبایی دیگر لطافت سوم طراوت و بین بت ومعشوق نیز وجه شبه های متعدد وجود دارد، یکی زیبایی دیگر قابل پرستش بودن سوم سنگدلی. تشبیهاتی که با کلماتی که برعینیت وهمانندی کامل دلالت میکنند نیز از قبیلند. عبارتند از عینا، درست، بعینه، عین.

ث- آرایش تشبیه: تشبیه واستعاره به اصطلاح اهل ادب با صنایع دیگر ادبی و بدیع توأم باشد، زیبا تر است، مثلاً انسجام و روانی، تناسب و مراعات نظیر، تضاد، اغراق، کنایه، تجنیس، ارسال، مثل، تلمیح، تأکید وغیره همراه باشد. بیگمان زیبا تر از یک تشبیه ساده است چه بسا که این کار یعنی توأم شدن تشبیه واستعاره با زیباییهای دیگر کلام موجب میشود که تشبیهی مکرر ونارسائی است. بسیاری از شاعران بزرگ مانند سعدی، فردوسی وحافظ بیشتر در ابداع تشبیهات نیست بلکه در توأم کردن تشبیهات عادی باروانی وانسجام وصنایع دیگر است، و این خود نیز نوعی نو آوری و ابداع است.

گاهی توأم شدن تشبیه واستعاره با صنایع و آرایشهای دیگر ادبی سخن شناس را به اشتباه می اندازد، که تشبیه واستعاره است یا عوامل دیگر و یا همه آنها. عامل زیبایی شعر این سخنسرایان (آن) و ترکیب سخن ومجموعه کلام است که اثرشان را تاسر حد اعجاز رسانده است. و آنها با صنایع دیگر تاهنگامی ارزش دارد که موجب تکلف و پیچیدگی کلام نشود و گیزی که ما آن را (ستیز آرایشها) می نامیم در شعر پیش نیاید. نوع فردوسی، سعدی، حافظ و خیام در همین معنی بوده است، یعنی به کار گرفتن تشبیهات وصنایع ادبی با هم بی آنکه در خیال انگیزی وزیبائی واستواری سخنشان اندک نارسائی پدید آید.

ج- تازگی تشبیه: تازگی تشبیه اگر توأم با فصاحت وبلاغت باشد از مهمترین عوامل رسائی و کیرائی آن است وبر عکس تکرار وابتدال از تشابه های نارسائی وضعف تشبیه به شمار میرود وانتقاد نو آوران به بعضی از شاعران سنت گرا که بازقد را به سور وزلف را به مار و چشم را به نرگس تشبیه میکنند درست وبرهمن اساس است. زیرا بنیاد شعر وهنر بر ابداع ونو آوری استوار است وتقلید وتکرار از دشمنان بی چون

^۷ - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی ودکتر غنی، تهران ۱۳۲۰، ص ۲۹۷

^۸ - همان، ص ۱۳۵

^۹ - نقد ادبی، دکتر عبد الحسین زرین کوب، بنگاه اندیشه، تهران ۱۳۳۸، ص ۳۷

^{۱۰} - تشبیه وتعبیرات شاعرانه در باره شب وتاریکی (مقاله) مجله وحید، مرداد ماه ۱۳۴۵ تهران، ص ۵۶

^{۱۱} - دیوان کامل فروغی بسطامی، تصحیح دکتر حسین نخعی، چاپ امیر کبیر، ۱۳۴۲ تهران، ص ۴۶

^{۱۲} - دیوان استاد منوچهری دامغانی، تصحیح دبیر سیاقی، زواره مشهد، ۱۳۳۸، ص ۷۱

وچرای هنر ند. یکی از شاعران فرانسوی (زرادونروال) در این باره میگوید: (نخستین کسی که روی معشوق را به کل تشبیه کرد شاعر بود وآنکه دوباره چنین کرد بیشعور)^{۱۳} این بیان اگرچه باره ای از حقیقت را در بردارد اما مبالغه آمیز است زیرا چنانکه پس از این خواهیم دید تشبیهات مکرر را هم باشراطی میتوان زیبا کرد. بنابراین اقتباس تشبیه همیشه دلیل بیشعوری شاعر نیست زیرا اگر چنین باشد حافظ وسعدی هم بسیاری از تشبیهات واستعارات دیگران را بکار برده اند (مانند لب لعل قد سرو وسنبل مو ودهها مانند آن) و باید آنان را از بیشعوران شمرد درحالی که آنان از هر شاعری شاعر ترند.

تازگی ونوی تشبیه واستعاره از عوامل اساسی درخشش وزیبائی آن است، اما آرایشهای دیگر ادبی از قبیل انسجام، تناسب، اغراق، مبالغه، تاکید ودهها عوامل دیگر موجب رسائی وتاثیر ولطف یک تشبیه مکرر میشود. از این راه نو آوری وابداع در تشبیه واستعاره یکی نیست بلکه بشمار ومتعدد است به همین جهت نمیتوان سخن نورمال را در بست قبول کرد. هر شاعری را که تشبیه دیگران را بکار میبرد بی سواد خواند. نشانه ضعف شاعر تشبیهات واستعارات اوست استعمال نامناسب وبدون ابداع تشبیهات دیگران است وگر نه توام کردن این گونه تشبیهات یا ابداعات ونوآوریهای دیگر موجب تکامل تشبیه است، اما تشخیص این که کدامیک از شاعران تشبیهات گذشتگان راهنمندانه بابداع بکار برده اند، وکدامیک در این کار هنری نشان نداده اند مستلزم تامل وارزیابیهای دقیق است، وزمان در این امر داور خوبی است. باین سخن نمی خواهیم به ناشاعران جواز تکرار وتقلید وسرقت تشبیه بدهیم، بلکه تاکید میکنیم که تکرار تشبیه به هر حال از رسائی وقوت آن کم یابی نباشد، این گونه آرایشها نمیتواند کاملا ابتدال ونارسائی را از چهره تشبیهات کهن ومکرر پاک کنند وارزش آنها را باتشبیهات کاملا تازه وبدیع برابر سازند.

۱- بعضی از تشبیهات واستعارات از کثرت تکرار جنبه هنری وخیال انگیز خود را از دست میدهند وبه صورت لغت جاری در می آیند مانند نرگس، سرو، سنبل ودهها مانند آنها به جای چشم وقد وزلف وغیره.

۲- تکرار تشبیه همیشه حاصل اقتباس نیست بلکه گاهی این کار بر اثر توارد است وشاعران وسخنوران بدون آنکه شعر دیگری راخوانده باشند عین تشبیه او را به وجود می آورند. این امر بخصوص از تشبیهات واحدی که در دوزبان مختلف وبوسیله شاعران که هیچ ارتباطی باهم نداشته اند به وجود آمده است ثابت می شود مانند تشبیه شب به پرده تیره و پرده سیاه در شعر شاعران.

۳- تصرفاتی که گفتیم به تشبیهات مکرر رنگ تازگی می بخشد معلوم نیست کی اگانه وجه وقت نا آگاه صورت میگیرد.

۲- صنایع تشبیه وزیبائی

صنایعی که پیش از همه به تشبیه درخشندگی وزیبائی می بخشد همانهایی است که به ترتیب اهمیت میاوریم:

أ- تشبیه واستعاره: در بعضی از شعار زنجیری از تشبیهات به چشم میخورد وهاله ای از تصویرها به نظر میرسد که به کلام درخشش خاصی می بخشد شعر فردوسی گاه چنین است، هاله رنگین تشبیهات موجب پنهان شدن معنی نمیگردد.

یکی کوه برپشت پیلی بلند به چنک اندر از چرم شیران کمند^{۱۴}

چو خورشید بر زد سر از کوهسار یگسترد یاقوت بر پشت قار^{۱۵}

زدریا نهنگی به جنگ آمده است که جوشنش چرم پلنک آمده است^{۱۶}

هاله تشبیهات وتصویرها در استعاره مکنیه بیشتر چشم گیر است زیرا در اینگونه استعاره ها همیشه باید قرینه ای در کار باشد، وان قرینه معمولا خود استعاره ای دیگر است.

چو خورشید بر کشور لاجورد سرا پرده ای زد زدیبار زرد^{۱۷}

خورشید استعاره مکنیه (وسرا پرده زدن) قرینه برای تشبیه خورشید به آدم است، خود استعاره مصرحه است ودیای زرد نیز استعاره ای دیگر است، زنجیر تشبیهات واستعارات باتازگی وابداع توأم باشد، که کلام بیش از بیش دل انگیز وافسون آمیز میشود.

پیکر تراش پیرم وباتیشه خیال یک شب ترا زمرمر شعر آفریده ام^{۱۸}

^{۱۳} - زبانشناسان نیز این امر را در شرایطی تایید میکنند به این معنی که بر طبق نظر یه در رسائی سخن (information) هرچه در زبان تکرار وکثرت استعمال سخن بیشتر باشد معنی ورسائی آن ضعیف تر میشود. تشبیه واستعاره وشکلهای ادبی از این قانون عام زبان بیروی میکنند. Element de Linguistique General نویسنده

A. Martinet, ص ۱۸۷، چاپ سوم، ۱۹۶۲

^{۱۴} - شاهنامه فردوسی، ج ۱، چاپ بروخیم، ۱۳۱۴ تهران، ص ۶۹۵

^{۱۵} - همان، ص ۳۵۹

^{۱۶} - همان، ص ۳۰۴

^{۱۷} - همان، ص ۹۳۰

^{۱۸} - نادر، نادرپور، شعر انگور، چاپ نیل، ۱۳۳۶ ص ۷۷

گاهی برعکس اجتماع تشبیهات واستعارات سخن رامیهم و کلام را سنگین میسازد که آن را (سیتز تشبیهات) مینامید. واگر این تشبیهات تازه بدیع باشد ولی این ستیز وتداخل بیشتر به چشم میخورد.

کیخسروانه جام زخون سیاوشان گنج فراسیاب به سیما برافکند^{۱۹}
کیخسروانه جام وخون، سیاوش و گنج فراسیاب به ترتیب استعاره برای جام شراب و شراب و سرخی چهره است، که اگر چه استعاره ها بدیع است اما درک زیبایی آن آسان نیست.

ب- انسجام: یکی از عوامل زیبایی شعر روانی وانسجام این صنعت نه تنها تشبیه را پیچیده نمیکند بلکه از غرابت وابهام دور است. مثال برای توام شدن تشبیه بدیع تازه بانسجام:

خواب می بینم که مروارید ماه می درخشد روی گردن بند تو^{۲۰}
ومثال برای انسجام وتشبیه مبتدل:
دوا برو کمان ودو گیسو کمند به بالا به کردار سرو بلند^{۲۱}

ت- اغراق: نیز از صنایع است نه تنها موجب تکلیف و پیچیدگی شعر وتشبیهات آن نمیشود بلکه گاهی از سنگینی باتشبیها متراکم میکاهد. اغراق اینجا بمعنی وسیع تر گرفته ام به طوری شامل مبالغه و غلو است وجدا کردن مبالغه واغراق و غلو از یک دیگر آسان نیست.

چرا کشت خواهی کسی را که تاج بگرید بر اوزار هم تخت عاج^{۲۲}
دل کوه گفتمی بدرد همی زمین باسواران بپرد همی^{۲۳}
اگر این اغراق در خود تشبیه باشد اثر آن بیشتر است یعنی طوری باشد که اجتماع مشبه ومشبه به در ذهن به سختی به تواند تحقق یابد مانند تشبیه (تن) به (جان پاک) در این بیت:
روانش خرد بود وتن جان پاک تو گفتمی که بهره ندارد ز خاک^{۲۴}

ث- مراعات نظیر: ونام دیگری هم دارد تلفیق، ایتلاف وتناسب، آوردن معانی متناسب در سخن است، واگر باتشبیه واستعاره توام باشد، به زیبایی کلام می افزاید معانی متناسب ممکن است برای مشبه یامشبه به یاوجه شبه وباهر دو یا هر سه آنها آورده شود. مثال ذکر ملائمت مشبه به:

چراغ روی ترا شمع گشت پروانه مر از حال تو باخویش پروانه^{۲۵}
ومثال ذکر ملائمت وامور متناسب بامشبه ومشبه به هر دو:
خورشید می زمشرق ساغر طلوع کرد گر برک عیش میطلبی ترک خواب کن^{۲۶}

ج- ابهام تناسب: یا صنعت خیال انگیز، از اقسام مراعات نظیر است ولی از آن خیال انگیزتر ولطیف تراست. این آرایش در شعر حافظ وخاقانی بسیار است وآن عبارت از آوردن لفظی است که بیش ازیک معنی دارد وبین معنای مخفی، ودوم آن یعنی معنایی که در عبارت مراد نیست باکلمات دیگر تناسب ومراعات نظیر باشد مانند (هوا ومحراب) در این بینها شعر آمد:

درچمن باد بهاری زکنار گل وسرو به هواداری آن عارض وقامت برخاست^{۲۷}
درنمازم خم ابروی تو باید آمد حالتی رفت که محراب به فریاد آمد^{۲۸}

۱۹ - دیوان خاقانی، تصحیح ضیاء الدین سجادی، زواره، ۱۳۳۸، تهران، ص ۱۳۳

۲۰ - مشیری، فریدون، ابر، تهران، ۱۳۴۰، ص ۴۴

۲۱ - شاهنامه فردوسی، ج ۲، ص ۱۷۴ چاپ مسکو ۱۹۶۳

۲۲ - شاهنامه فردوسی، ج ۱، چاپ بروخیم، ۱۳۱۴، تهران، ص ۶۵۷

۲۳ - همان، ص ۷۸۶

۲۴ - شاهنامه فردوسی، ج ۲، ص ۱۷۴ چاپ مسکو ۱۹۶۳

۲۵ - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی ودکتر غنی، تهران، ۱۳۲۰، ص ۲۹۶

۲۶ - همان، ص ۲۷۳

۲۷ - همان، ص ۱۷

۲۸ - همان، ص ۱۱۷

ج- تضاد: تضاد یا طباق یا تکافؤ رانیز میتوان نوعی مراعات نظیر دانست منتها مراعات که بین دو کلمه رابطه تضاد باشد. گاهی این تضاد بین دو استعاره یا دو دستگاه تشبیهی بر قرار میشود:

غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت زخیل شادی روم رخت زداید باز^{۲۹}
آفتابی از تو دوری چون کنم سایه ام بی تو صبوری چون کنم^{۳۰}
گرد مه خطی سیه کار نداری داری روز روشن به شب تار نداری داری^{۳۱}

گاهی تضاد بین اجزاء یک تشبیه است که در این صورت تشبیه رابه اوج زیبایی خود میرساند و این تضاد ممکن است بین دو وجه شبه باشد مانند (دشمن، دوستدار، دل خونین و لب خندان) در بیتهای زیر:

تو مرا مانی و من هم مرترا مانم همی دشمن خویشیم هر دو دوستدار انجمن^{۳۲}
بادل خونین لب خندان بیا و همچو جام نی گرت زخمی رسد آئی چو چنگ اندر خروش^{۳۳}
یا بین مشبه و مشبه به است مانند تشبیه شب به روز در این بیت:
امشب به راستی شب ما روز روشن است عید وصال دوست علی رغم دشمن است.^{۳۴}
گاهی بین دو مشبه به یک تعلق مشبه دارد مانند:
آب و آتش به هم آمیخته ای از لب لعل چشم بد دور که بس شعبده باز آمده ای^{۳۵}

یعنی این تضاد اصلا بین هیچیک از خود ارکان تشبیه نیست و یا بین یکی از ارکان تشبیه و کلماتی غیر از آنهاست.

خ- کنایه اویهام: مانند این بیت که وجه شبه آن کنایه است:

حبابوار بر اندازم از نشاط کلاه اگر زروی تو عکسی به جام ما افتد^{۳۶}
بداندیش بر خرده چون دست یافت درون بزرگان زاتش بتافت
به خرده توان آتش افروختن بس آن که درخت گشن سوختن^{۳۷}

د- تجنیس ارسال مثل و تلمیح:

دمی رفت تا چشمه آفتاب فروشست چشم خلایق ز خواب^{۳۸}
و این کار بخصوص اگر مثل رایج مشبه به واقع شود بر زیبایی کلام می افزاید:
اول اندیشه وانگهی گفتار پای بست آمده است پس دیوار^{۳۹}
و این کار نیز بویژه اگر مشبه به حاصل حکایتی باشد که شاعر به آن اشاره میکند تشبیه را زیبا خواهد کرد:
دست دردامن مردان زن و اندیشه مکن هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش^{۴۰}
در بیت زیر شخصیت های داستانی و ملی به صورت استعاره بکار رفته است:
شاه ترکان سخن مدعیان می شود شرمی از مظلمه خون سیاووشش باد^{۴۱}
که مراد از شاه ترکان پادشاه وقت (مثلا شاه شجاع) و غرض از سیاووش گویا خود حافظ است.

^{۲۹} - همان، ص ۱۱۷

^{۳۰} - منطق الطیر، عطار، تصحیح دکتر مشکور، طهران ۱۳۴۸، ص ۶۶

^{۳۱} - دیوان کامل فروغی بسطامی، تصحیح دکتر حسین نخعی، امیر کبیر، ۱۳۴۲، ص ۱۹۱

^{۳۲} - دیوان استاد منوچهری دامغانی، تصحیح دبیر سیاقی، زواره مشهد، ۱۳۳۸، ص ۷۱

^{۳۳} - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران ۱۳۲۰، ص ۱۹۴

^{۳۴} - دیوان سعدی، به گوشش مظاهر مصفی، معرفت، ۱۳۴۰ تهران ۳۷۶

^{۳۵} - همان، حافظ، ص ۲۹۲

^{۳۶} - همان، ص ۷۷

^{۳۷} - بوستان سعدی نامه، تصحیح رستم علی بفر، کتابخانه بهلولی، تهران ۱۳۴۷، ص ۲۳

^{۳۸} - بوستان سعدی نامه، تصحیح رستم علی بفر، کتابخانه بهلولی، تهران ۱۳۴۷، ص ۲۳

^{۳۹} - دیوان سعدی، به گوشش مظاهر مصفی، معرفت، طهران ۱۳۴۰ ص ۷۶۰

^{۴۰} - همان، ص ۷۹۰

^{۴۱} - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران ۱۳۲۰، ص ۷۳

گاهی نیز تشبیه با جند صنعت توام است مانند بسیاری از ابیاتی که در مثالهای پیش دیدیم و نیز این شعر که در آن تضاد و ایهام تضاد (بین بالا و پست) هم هست:

در نعل سمند او عکس مه نو پیدا وز قد بلند او بالای صنوبر پست^{۴۲}

۳- انواع تشبیهات

گاهی تشبیه با تأکید و مبالغه توام است و در این موارد گاهی مشابهت به دست فراموشی سپرده میشود زیرا مشبه و مشبه به عین هم و متحد بایکدیگر به نظیر میرسند. چنین تشبیهاتی را میتوان بر روی هم بر سه قسم تقسیم کرد:

۱- تشبیه تأکیدی: گفت که ای نسخه بدل تأکید تشبیه به معنی محدود- این در هنگامی است که تشبیه با کلمات و اداتی که بر تأکید دلالت میکنند توام باشد. از این عیناً، به راستی، درست، درست و راست، بعینه، توگفتی، یا:

امشب به راستی شب ماروز روشن است عید وصال دوست علیرغم دشمن است^{۴۳}

تومرا مانی بعینه من ترامانم درست دشمن خویشیم هر دودوستدارانجمن^{۴۴} بیش از این گفتیم بعضی از کلماتی که میتوان آنها را ازادات تشبیه نیز به شمار آورد بر تأکید نیز دلالت میکنند مانند: نسخه بدل، جلد سوم و عطف بیان در این ابیات ایرج میرزا:

گفت که ای نسخه بدل از پری جلد سوم از قمر و مشتری

عطف بیان از گل و سرو و سمن جمله تأکید زباغ و چمن^{۴۵}

تشبیه در عباراتی که به وسیله جمله ای تصحیح می شوند نیز جنبه تأکیدی دارد. در اینگونه جمله ها ممکن است (دبله) یا (دبل) به عنوان عامل تصحیح بیاید یا نیاید مانند: او آدم نیست فرشته است

نه مردم شمر بل ز دیو و دده دلی کو نباشد ز درد آزده^{۴۶}

۲- تشبیه ترجیحی و اغراقی: - و آن تشبیهی است که باغراق و مبالغه توام باشد و آن را میتوان به چند قسم تقسیم کرد که از اقسام آن نوعی است که مشبه برتر از مشبه به است، و میتوان آن را تشبیه تفضیلی یا برتر شمرد و این نوع تشبیه به چند وسیله صورت میگیرد:

الف- با صفت تفضیلی- مانند روی لطیف تر از گل و او، سخنان شیرین تر از قند.

زلفش گره افشانتر و پیچنده تر از دود بر بالش من ریخته آشفته و شیرنگ^{۴۷}

ب- با عوض کردن جای مشبه و مشبه به در جمله منفی یا انکاری به طوری که برتری مشبه بر مشبه به و فروتری مشبه به از مشبه آشکار شود:

سرو خراسان چو قد معتدلت نیست اینهمه وصفش که میکنند به قامت^{۴۸}

و گر خورشید در مجلس نشیند نیندارم که همتای تو باشد^{۴۹}

بت آرای چون او نبیند به چین میان بتان چون درخشان نگین^{۵۰}

گاهی به جای جمله منفی جمله استفهامی بکار می رود منتهی استفهامی که انکار آمیز باشد مانند:

که دارد در همه لشکر کمانی که چون ابروی زیبای تو باشد^{۵۱}

ت- با کلماتی مثل رشک، غیرت مانند رشک جنان، رشک بری.

شاهدی در لطف و پاکی رشک آب زندگی / دلبری در حسن و خوبی غیرت ماه تمام^{۵۲}

۴۲ - همان، ص ۲۰

۴۳ - دیوان سعدی، به گوشش مظاهر مصفی، معرفت، طهران ۱۳۴۰، ص ۲۷۶

۴۴ - دیوان استاد منوچهری دامغانی، تصحیح دبیر سیاقی، زواره مشهد، ۱۳۳۸، ص ۷۱

۴۵ - افکار و آثار ایرج، چاپ ابن سینا، ۱۳۲۴ طهران، ص ۴۵

۴۶ - شاهنامه فردوسی، ج ۱، چاپ بروخیم، ۱۳۱۴ تهران، ص ۷۰۱

۴۷ - رها، از فریدون توللی، چاپ امیر کبیر، طهران ۱۳۳۳، ص ۴۸

۴۸ - دیوان سعدی، به گوشش مظاهر مصفی، معرفت، طهران ۱۳۴۰، ص ۴۰۳

۴۹ - همان، ص ۴۳۰

۵۰ - شاهنامه فردوسی، ج ۱، چاپ بروخیم، ۱۳۱۴ تهران، ص ۶۸

۵۱ - دیوان سعدی، به گوشش مظاهر مصفی، معرفت، طهران ۱۳۴۰، ص ۴۳۰

۵۲ - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران ۱۳۲۰، ص ۲۱۰

ث- همچنین با تعبیراتی مانند سبق بردن، خجل شدن، شرم کردن قیمت بردن، جلوه شکستن، درنوشتن، پست بودن، فارغ کردن ومانند آنها که برتری مشبه برمشبه به یا فروتری مشبه به از آن استنباط میشود:

دل شکر در آن تاریخ شد تنگ که یاقوت تو بیرون آمد از سنگ
قمر در نیکوئی دلدادۀ تست شکر مولای مولازاده تست^{۵۳}
ز شرم چهره چون آفتاب اندر صبح ستاره خون شد از چشم آسمان بچکد
گفتم که باتوخواهم روزی روم به گلشن گفتا که شرم بادت از روی گلغروشم^{۵۴}
پیش رفتار توپا بر نگرفت از خجلت سرو سرکش که به نازاقدوقامت برخاست^{۵۵}
دلیری سیه جامه ای سخت دل زنا پاکی ابلیس در وی خجل^{۵۶}

دراین بیت لطیف حافظ باد بهاری عارض وقامت ومعشوق را از گل و سرو برتر میدانند و به هواداری از آن برمیخیزد:

درچمن بادبهاری زکنار گل و سرو به هواداری آن عارض وقامت برخاست^{۵۷}
وبادی که برچهره وموی دلداری سعیدی وزیده باشد دیگر سخن از گل و سنبل نمی گوید:
دیگرای بادحدیث گل و سنبل نکنی گربر آن سنبل زلف و گل رخسارائی^{۵۸}

ج- تعجب از اقسام تشبیه اغراقی آن است که تشبیه با تعجب توأم باشد. تشبیهاتی که مشبه به آن وسیله (یا) به مشبه عطف میشود از این قبیل است. در این موارد بر اثر کمال مشابَهت ذهن دچار شبهه و تعجب میشود. مثال برای تشبیهات توأم با تعجب:

ندانم این شب قدر است یاستاره روز توئی برابر من یا خیال در نظرم^{۵۹}
عجب باشد که گل را چشمه شوید غلط گفتم که گل بر چشمه روید^{۶۰}

از این قبیل است تشبیهاتی که دو وجه شبه متضاد داشته باشد. شک نیست که چنین تشبیهاتی تعجب خیال انگیزی در ذهن به وجود می‌آورد مانند (دل خونین، لب خندان) که هر دو وجه شبه بین انسان و جامند:

بادل خونین لب خندان بی‌اور همچو جام

نی گرت زخمی رسد آئی چو چنگ اندر خروش^{۶۱}

یا در این بیت که مشبه (لب) دوشبه به متضاد (آب و آتش) دارد که شاعر خود آن تشبیه را نوعی شعبده بازی دانسته است:

آب و آتش به هم آمیخته ای از لب لعل چشم بد دور که بس شعبده باز آمده ای^{۶۲}

۳- تشبیه اتحاد و فراموشی: در کتابهای بیان قدیم آمده است که استعاره از تشبیه رساتر است (الاستعاره ابلغ من التشبیه والکنایه ابلغ من التصریح)^{۶۳} زیرا در استعاره دعوی اتحاد بین مشبه و مشبه به و فراموش شدن تشبیه است. میتواند در باره تشبیهات دیگر هم تعمیم یابد زیرا این کار منحصر به استعاره نیست و در برخی دیگر از تشبیهات نیز کم و پیش به چشم می‌خورد از این قبیل:
أ- حذف ادات تشبیه - تشبیه در موارد تاحدی به استعاره نزدیک است. از ساختمانهای که برای تشبیه بدون ادات نزدیکی به استعاره و فراموشی تشبیه پیشتر است.

ب- در تشبیهات که مشبه از سنخ مشبه به یا عین آن شمرده شده است، جنبه تأکیدی و فراموشی تشبیه وجود دارد.

ج- تشبیهات مضمرا نیز میتوان بر پایه فراموشی تشبیه استوار دانست:

عاشق اگر منم چرا غنچه دریده پیرهن تشنه اگر منم چرا لاله بود بخون کفن^{۶۴}

^{۵۳} - چهار مقاله، از نظامی عروضی سمرقندی، باب دوم، ص ۴۵

^{۵۴} - دیوان کامل فروغی بسطامی، تصحیح دکتر حسین نخعی، امیر کبیر، ۱۳۴۲، ص ۱۳۹

^{۵۵} - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران، ۱۳۲۰، ص ۱۷

^{۵۶} - بوستان سعدی نامه، تصحیح رستم علی بفر، کتابخانه بهلولی، تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۳۱

^{۵۷} - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران، ۱۳۲۰، ص ۱۱۷

^{۵۸} - دیوان سعدی، به گوشش مظاهر مصفی، معرفت، طهران، ۱۳۴۰، ص ۵۶۵

^{۵۹} - دیوان سعدی، به گوشش مظاهر مصفی، معرفت، طهران، ۱۳۴۰، ص ۵۱۳

^{۶۰} - چهار مقاله، از نظامی عروضی سمرقندی، باب دوم، ص ۲۲

^{۶۱} - دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران، ۱۳۲۰، ص ۱۹۴

^{۶۲} - همان، ص ۲۹۲

^{۶۳} - مطول، سعد الدین تفتازانی، جاب سنکی، ص ۳۰۰، تهران، ۱۳۰۱

^{۶۴} - دیوان، مسعود سعد سلمان، ص ۴۵، تهران، ۱۳۴۰

د- تشبیهات بر اثر کمال مشابهت مشبه و مشبه به انسان، مانند یا انگار، گویا، گوئی، گفتی، توگفتی، پنداری، بینی و یا می آیند :

بیار آن می که پنداری روان یا قوت تابستی ویا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی

قدح گوئی سحابستی ومی قطره سحابستی بخوشی گوئی اندر دیده بیخواب خوابستی^{۶۵}

ه- موارد نزدیک شدن تشبیه به تناسی هنگامیکه تشبیه غیر مستقیم صورت میگیرد مانند می به خون شقایق، و ابرو به محراب :

بر برگ گل به خون شقایق نوشته اند کانکس که پخته شد می چون ارغوان گفت

ابروی بار در نظر و خرقه سوخته جامی به یاد گوشه محراب مزدم^{۶۶}

نمونه ای: *

نمونه ای از کهن ترین تشبیهات واستعارات شعر فارسی در اشعار رودکی که بعدا به وسیله شاعران دیگر بکار رفته است.

تشبیه رخ به: گل (۵۱۲)، برگ یاسمین (۴۹۱)، لاله (۴۹۳-۴۹۴) گل سرخ (۵۲۹)، می و گل و نسرين (۵۳۰)، ماه (۴۹۵)، ماه دو هفته

(۵۳۸)، خورشید (۵۱۲)، شمع (۴۹۱)، چشم به بیمار (۵۰۱) و نرگس (۵۱۰) و معشوق به بت (۵۲۶) و دهان معشوق به نیم دانه انار (۴۹۶)

و غم به سیاه (۵۱۱).^{۶۷}

^{۶۵} - شرح احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، شماره ص ۴۵

^{۶۶} -- دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران ۱۳۲۰، ص ۶۰ و ۲۱۸

^{۶۷} - شرح احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، شماره ص ۲۲

نتیجه گیری

یکی از نارسائیه‌ها و عیبهای نقد شعر فارسی در گذشته این است که به عیب ابتذال و تقلید توجهی نگردیده است و در کتب معانی و بیان به این عامل انحطاط شعر و هنر کمتر اشاره شده است و نویسندگان آن کتابها گاهی در باره انتقال و سرقت شعر بحث کرده اند در عمل دزدیدن استعارات و تشبیهات و مضامین دیگران را بر شاعران و شاعر نمایان عیب نگرفته اند و همین سهل انگاری باعث شده است که استعارات و تشبیهات شعر فارسی به وضع تقلید و تکرار گردد به طوری که اگر صورت و سیرت معشوق غزلسرایان را از روی شعرشان نقاشی و ترسیم کنند تمام عین یکدیگر از آب در می آید زیرا همه این معشوقان مثلا سروقد، سیاه چشم، سلسله موی، کمان ابرو، عاشق کش و بیوفا هستند. باری تازگی تشبیهات اگرچه از عوامل اصلی قوت و رسائی آنهاست ولی در نقد شعر قدیم چندان مورد توجه نبوده است.

در کتابهای بدیع صنعتی به نام ابداع یا حسن اختراع دارید ولی معنی آن مبهم و کشدار است و در حقیقت باید شامل ابداع در شعر به طور کلی و بسیاری از آرایشهای ادبی باشد و اختصاصی به تشبیه و استعاره ندارند و گذشته از این در نقد شعر عملا چندان مورد اعتنای سخنگویان نبوده است.

از شاعران پارسی گوی آنان که قدیمترند نو آورتر نیز هستند زیرا ضمن آنکه نخستین اشعار پارسی را سروده اند نخستین تشبیهات و استعارات را هم آورده اند بجز تشبیهات رایج میان مردم که اختصاصی به شاعری خاص ندارند. تشبیهات بعضی از این شاعران مانند کسائی مروزی و خبازی نیشابوری هنوز هم تازه و نمونه کامل ابداع است. در اشعار فرخی و منوچهری تشبیهات و استعارات بدیع هست، و در شعر فردوسی و اسدی نیز تشبیهات و استعارات تازه کم نیست. شاید در شعر خاقانی پیش از هر دیوان و منظومه دیگری تشبیه و استعاره بدیع بتوان یافت ولی چون سخنش پیچیده و دشوار است درک زیبایی او آسان نیست. در نظامی نیز تشبیه تازه فراران است ولی در غزلیات سعدی و حافظ تشبیه و استعاره بدیع اندک یانیست.

منابع و مراجع

- [۱] افکار و آثار، ایرج، جاب ابن سینا، ۱۳۲۴ تهران
- [۲] ابر، فریدون مشیری، تهران ۱۳۴۰
- [۳] چهارمقاله، نظامی عروضی سمرقندی، بلب دوم، تهران ۱۳۴۴
- [۴] دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی، تهران ۱۳۲۰
- [۵] دیوان خاقانی، تصحیح دکتر ضیاء الدین سجادی، جاب زوار، مشهد ۱۳۳۸
- [۶] دیوان سعدی، به کوشش مظاهر مصفی، انتشارات معرفت، تهران ۱۳۴۰
- [۷] دیوان فرخی سیستانی، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران ۱۳۳۵
- [۸] دیوان فروغی بسطامی، تصحیح دکتر حسین نخعی، جاب امیر کبیر، ۱۳۴۲
- [۹] دیوان استاد منجهری دامغانی، تصحیح دبیر سیاقی، جاب زوار و مشهد ۱۳۳۸
- [۱۰] ویس و رامین، فخر الدین اسعد کرکان، تصحیح مجتبی مینوی، بروخیم ۱۳۱۴
- [۱۱] زبان شناسی سخن، Elements de Linguistique General، تالیف A. Martimmet، جاب سوم، ۱۹۶۲ پاریس
- [۱۲] مطول، سعد الدین تفتازانی، جاب سنکی، تهران ۱۳۰۱
- [۱۳] منطق الطیر، عطار نیشابوری، تصحیح دکتر مشکور، تهران ۱۳۴۸
- [۱۴] مرمر، سیمین بهبهانی، تهران ۱۳۴۱
- [۱۵] نقد ادبی، دکتر عبد الحسین زرین کوب، بنگاه اندیشه، تهران ۱۳۳۸
- [۱۶] رها، فریدون توللی، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۳۳
- [۱۷] رودکی، شرح دکتر خلیل خطیبرهبر، جاب صفی علی شاه، تهران ۱۳۴۳
- [۱۸] شاهنامه فردوسی، جاب بروخیم، ج ۱-۷، تهران ۱۳۱۴
- [۱۹] شرح احوال و اشعار رودکی سمرقندی، تالیف سعید نفیسی، تهران ۱۳۱۹
- [۲۰] شعر انکور، نادر نادربور، نیل، تهران ۱۳۳۶
- [۲۱] تشبیهات و تعبیرات شاعرانه درباره شب و تاریکی (مقاله)، مجله وحید، ۱۳۴۵